

دیره امروز ما،

الفبای آریایی یا الفبای عربی؟

پژوهشگر و نویسنده: بهمن انصاری (سوشانت)

منتشر شده برای نخستین بار در وبسایت :

www.TarikhBook.ir



به تازگی این سخن در میان برخی ایرانیان - و بیشتر پان ایرانی‌های تندرو- گسترش یافته است که دبیره امروزمین ما که به آن مینویسیم، الفبای عربی است.

اما آیا به راستی این رسم الخط؛ الفبایی عربیست یا دبیره‌ای ایرانی؟

بسیاری بر این باورند که پس از سرنگونی پادشاهی ساسانیان و چیرگی اعراب بر ایران، دبیره و الفبای اعراب بر ایرانیان وادار (تحمیل) شد و دبیره پهلوی که الفبای گذشته ایرانیان بود فراموش گشت. این باور به اندازه‌ای فراگیر شده و گسترش یافته است که نه تنها بسیاری از ما ایرانیان نیز آن را پذیرفته‌ایم و دبیره و الفبای خود را که امروز به آن مینویسیم، الفبای عربی می‌دانیم، بلکه این انگاره و دیدگاه را در بسیاری از تارنماهای بنیادین و دانشنامه‌های مجازی همچون ویکیپدیا نیز نگاشته شده است.

در این کتاب، برای آشنایی بیشتر با خط فارسی امروزمین که آن را عربی می‌خوانند، نگاهی به انگاره‌ها و نظریه‌های گوناگون و تاریخ دبیره و الفبا، در بین اعراب و سپس ایرانیان می‌اندازیم.

آبا اعراب در سراسر تاریخ خود خواندن و نوشتن و دبیره و آموزش و الفبا و سواد آشنایی؟

برای آغاز این جستار مه‌مند و مهم، نخست باید دید که ریشه این دبیره که امروز ما با نام **خط عربی** می‌شناسیم، در خود شبه جزیره عربستان (حجاز) است یا خیر؟ و اگر نیست اعراب این دبیره را از کجا آورده‌اند؟

به گواه تاریخ و یادگارهای تاریخی، دبیره‌ای با نام «خط عربی» در تمام دوره‌های تاریخی، هرگز باشنده نبوده است (وجود نداشته است). چرا که تا پیش از اسلام نشانی از وجود دبیره و الفبا و خط و دیوان و آموزش در میان عربها بویژه در میان عربهای حجاز دیده نشده است.

تنها از عربهای شمالی حجاز (حیره و غسان که یکی زیر فرمان شاهنشاهی ایران و دیگری زیر فرمان امپراطوری روم بود) پنج گواهی و مدرک که کهنه‌ترین آنها به هزاروپانصد سال پیش باز می‌گردد، بدست آمده است. از عربهای جنوب بیابان سینا نیز نشانه‌هایی بدست آمده است که پیوند با مردم یمن دارند و آنان نیز همانند مردم حیره زیر فرمان شاهنشاهی ایران بودند.

دکتر همایونفرخ در کتاب «سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان» می‌گوید:

«مردم حجاز بخاطر بیابان‌نشینی از نوشتن و خط بی‌بهره بوده‌اند اما اندکی از آنها که کمی پیش از اسلام به حیره و غسان در عراق و شام که یکی زیر پرچم ایران و دیگری زیر پرچم روم بودند می‌رفتند نوشتن را از آنها آموختند و [زبان] عربی خود را با حروف الفبای نبطی و سریانی و عبرانی می‌نوشتند.»

«زیگموند فرنکل» نیز درباره نبودن خط و دبیری و کتابت در میان اعراب می‌گوید:

«کمابیش تمام واژگانی که در زبان عربی با نگارش، پیوستگی دارند؛ از زبانهای بیگانه گرفته شده‌اند، از آن جمله است: قلم که تا دیرزمانی از واژه‌های بنیادین و اصیل سامی انگاشته می‌شد، در حقیقت یونانی است (Khalamos) و اصل آریایی دارد. چنانچه واژه «دوات»، به گفته «لاگارد» از زبانهای ایرانی گرفته شده است. «حبر» با همین گویش، سریانی و «سفر» به معنی کتاب، آرامی است.»

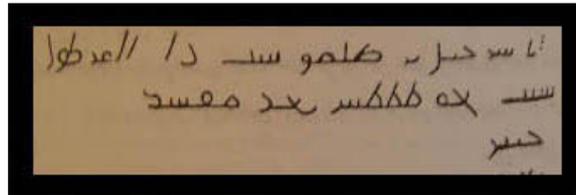
همچنین در نسکهای سرچشمه‌ای چون تاریخ تبری می‌خوانیم که پس از چیرگی اعراب بر ایران، چون بیشتر اعراب خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، برای کارهای دیوانی و دبیری، ایرانیان را برمیگزیدند. اکنون باید اندیشید این دبیره و الفبا که امروزه آن را «خط عربی» می‌خوانند چگونه دبیره‌ای بوده است که خود اعراب آن را نمی‌دانسته و نمی‌شناخته‌اند و نمی‌توانستند بدان بنویسند و بخوانند و از سویی دیگر، دبیران و دیوان‌سالاران ایرانی آن را به نیکی می‌شناختند و هتا(حتی) در دوره‌ای نیز، با انجام دگرگونی در آن، آن را بهبود بخشیدند.

از تمام نوشتارهای پژوهشگران و پژوهشهای باستان‌شناسان چنین برمی‌آید که اعراب حجاز نه دبیره و الفبایی داشتند و نه خواندن و نوشتن می‌دانستند، زیرا هیچ نوشته‌ای هتا(حتی) یک نمونه بر روی خشت و گل و سنگ و استخوان و پوست و پاپیروس و ... در سرزمین آنها یافت نشده و هیچ نشانه‌ای تا امروز از بودن دبیره و خط و سواد، از اعراب حجاز به دست نیامده است و تنها همانگونه که گفته شد از اعراب شمال عربستان که در نزدیکی فرهنگ ایرانی بوده‌اند و از اعراب یمن که زیر پرچم پادشاهی ایران زندگی میکردند، تنها چند نمونه یافت شده است.

رای و نظر خود اعراب در این باره چیست؟

اعراب خود بر این باور هستند که این دبیره از الفبای نبطی برگرفته شده است و الفبای نبطی نیز وامدار الفبای آرامی و آن نیز از فنیقی‌ها برگرفته شده است. واژه نبطی اشاره به قوم نبط دارد که از کم‌بیش سدو پنجاه سال پیش ترسایبی (پیش از میلاد) در نبطیه می‌زیسته‌اند و سامی‌نژاد بوده‌اند. نبطیان در اوج توانمندی و نیرومندی، از سوریه تا حجاز و از سوی دیگر از اردن تا بیابان سینا در حجاز گسترده بودند. یافته‌ها و اسناد بدست آمده در شمال عربستان امروزی، همگی در درازنای سه سده یعنی بین دو هزار تا هزار و هفتصد سال پیش به پیدایی آمده‌اند. می‌بایست یادآور شد که از هزار و ششصد سال پیش یادواره‌ای در دست است که امروزه سنگ‌نبشته «التماره» نامیده میشود و کمابیش به زبان عربی آویژه و خالص است اما به دبیره و الفبای نبطی. از اندکی پیش از سالهای آغازین پیدایش اسلام تنها دو نوشته بسیار کوتاه در دست است که در یکی از آن دو که سنگ‌نبشته «حران» نامیده میشود و به سال پانصد و شصت و هشت میلادی [هنگام شاهنشاهی خسرو انوشیروان ساسانی] باز می‌گردد، دبیره و خط به کار رفته به الفبای امروزی ما و اعراب همانندی و شباهت‌هایی دارد. استاد ملک‌الشعراى بهار در دفتر یکم از کتاب «سبک‌شناسی» این دو نمونه سنگ‌نبشته را آورده است.

سنگ‌نبشته‌ی حران، بدین‌گونه است که در زیر آورده شده است:



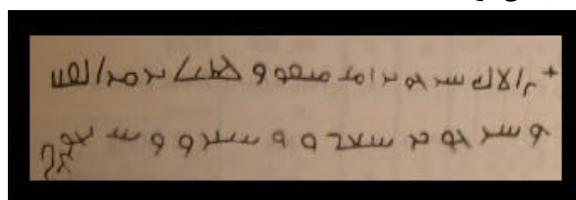
متن این سنگ‌نبشته و همچنین برگردان آن به پارسی چنین است:

«أنا شرحيل بن ظلمو بنيت ذا المرطول سنة ٤٦٣ بعد مفسد خيبر بعن.»

«من "شرحیل پسر ظالم" این مرطول را به سال ۴۶۳، پس از ویرانی خیبر، در

یک سال ساختم.»

سنگ‌نبشته‌ی زَبَد (نام ویرانه‌ای در نزدیکی رود فرات) نیز که زمان آن را پانصد و یازده ترسایبی (میلادی) دانسته‌اند بدین‌گونه است:



متن و برگردان این سنگ‌نبشته به پارسی چنین است:

«به نصر الاله شرحو بر امت منفو و ظبی بر مر القیس و شرحو بر سعد و

وستریحو (بتمیمی)»

«به یاری خدا، «شرحو پسر امت منفو» و «ظبی پسر امرء القیس» و «شرحو پسر

سعد» و «وستریحو بتمیمی.»

همیدون، از ابن عباس (پسر عموی پیامبر اسلام) نیز نقل است:

«خط عربی را نخستین بار در شهر انبار (از شهرهای ایران در دوران ساسانی) ساختند.»

این نیز گواهی و سندی است، گویای آن که دبیره امروزمین که به دروغ خط عربی نامیده میشود، دنباله‌رو و پیرو دبیره‌های ایران باستان است و به دست ایرانیان میتواند ساخته شده باشد.

همانگونه که گفته شد خود اعراب بر این باور هستند که دبیره و خط خود دگرگون شده دبیره نبطی، و الفبای نبطی نیز، برگرفته شده از دبیره و خط آرامی است و از این روی، دبیره آرامی را مادر الفبای عربی می خوانند .

آرامی ها گروهی بودند که در زمینهای بالای شبه جزیره عربستان و پایین تر از میان رودان (بین النهرین) زندگی میکردند و سپس به میان رودان رهسپار شده و در آنجا باشند (ساکن) شدند. آنها در هزاره نخست پیش ترسایی (پیش از میلاد) برای خود فرمانروایی برپا کردند ولی به زودی باج گزار کشور آشور شدند.

به شوند (دلیل) گستردگی جغرافیایی مردمانی که به زبان آرامی سخن میگفتند، (از آسیای صغیر تا میان رودان و بخشهایی باختری فلات ایران)، بسیاری سنگ‌نبشته و یافته‌هایی به زبان آرامی به یادگار مانده است.

اما پرسشی در اینجا پیش می آید و آن این که برپایه کدامین گواهی و سند، این دبیره را «خط آرامی» می خوانند؟! تنها به این فرمود و انگیزه که نوشته هایی به زبان آرامی با این دبیره نبشته شده است؟! پس با پروا (توجه) به اینکه سنگ‌نبشته‌هایی به زبانهای خوزی، انشانی، پارسی، هندی، قبطی و هتا (حتی) یونانی بسیاری یافته شده است که با این خط نوشته شده‌اند، پس چرا خط فوق را خط خوزی یا خط انشانی یا خط هندی نمیخوانیم؟!

اگر این سخن درست باشد و نوشتن زبان آرامی به این دبیره، فرمود و دلیلی بر آرامی بودن این خط است، پس امروز که برخی ایرانیان، گاهی با الفبای لاتین، در وبگاههای اینترنتی نوشته‌های خود را یادداشت میکنند، چرا دبیره و الفبای لاتین را الفبای فارسی نامیم؟! مگر نه اینکه زبان فارسی را گاهی با این الفبا می نویسیم؟!

همانگونه که داوی و ادعای ما برای فارسی خواندن دبیره لاتین، به شوند بهره‌گیری از آن برای نوشتن زبان فارسی؛ بی پایه، مضحک و خنده دار است؛ آرامی خواندن دبیره باستانی خاور میانه، به شوند آنکه چند سنگ‌نبشته به زبان آرامی را به آن خط نوشته‌اند؛ بی پایه و مضحک و خنده دار است.

این زبان که به دروغ، خط و الفبای آرامی می‌نامند؛ در حقیقت چه خطی بوده و چه نامی دارد؟

اکنون که به دروغین بودن انگاره و دیدگاه آرامی بودن دبیره باستانی گسترده در خاورمیانه پی بردیم، پژوهش خود را چنین ادامه می‌دهیم که دبیره‌ای را که به دروغ خط آرامی می‌خوانند، به راستی چه دبیره‌ای بوده و چه نامی داشته است؟

داریوش بزرگ در کوه ورجاوند و مقدس بگستان (بغستان) که امروز با نام کوه بیستون می‌شناسیم، سنگ‌نبشته‌ای سه زبانه از خود به یادگار گذاشته و رویدادهای سالهای نخست پادشاهی خود را نوشته است.

در بند بیستم از ستون چهارم این سنگ‌نبشته به نشانه‌ای برخورد می‌کنیم که گواهی و سندی بسیار ارزشمند از دید تاریخی است. در این بند داریوش شاه چنین می‌گوید:

«به خواست اهورامزدا این [که تو می‌خوانی]، خطی است که من ساختم (منظور خط میخی است که کتیبه را با این خط نوشته اند). به جز این، [دستور دادم این متن را] به زبان و خط آریایی هم بر روی لوح و هم روی چرم نوشته شد. [همچنین] جز آن، پیکر خود را هم بساختم و جز آن، تبارنامه خود را نوشتم. در پیش من این نوشته خوانده شد. پس از آن، من این نوشته‌ها را همه جا در میان کشورها فرستادم.»

برای پایستن و اثبات تاریخی بودن این سنگ‌نبشته ارزشمند، گواهی و سندی تاریخی دیگر، در جایی دورتر بدست آمده است.

این گواهی و سند، رونوشتی است از سنگ‌نبشته بیستون که در جزیره الفیل مصر یافت شده و دست‌واژه‌های آن عیناً از روی کتیبه بیستون نوشته شده است و نیک‌نژادی و اصالت تاریخی سنگ‌نبشته بیستون را ناگزیر استوار می‌سازد.

این سنگ‌نبشته و رونوشت آن از اینرو می‌توانند ارزشمند باشند که در آن داریوش شاه، آشکارا دبیره و خطی را که به گونه گسترده و رایج و شاید آگاهانه و از روی بداندیشی و غرض‌ورزی، امروزه خط آرامی نامیده شده است را دبیره و الفبای «آریایی» می‌خواند و سپس بر این پافشاری می‌ورزد که به دستور او الواح نوشته شده با این دبیره در کشورهای زیر دست داریوش و شاهنشاهی هخامنشی پخش گشته و گسترش یافته است.

آشکار است دبیره‌ای که روی چرم نوشته می‌شده است بی‌گمان خط میخی نبوده است. این خط نرم که به روی پوست نوشته می‌شده، دبیره‌ای بوده که در زمان داریوش آن را «خط آریایی» می‌نامیدند و امروزه آن را به نادرستی و اشتباه (و شاید آگاهانه و به عمد) «آرامی» می‌خوانند.

پیدایش دبیره و دیوانسالاری و نوشته و الفبا و خط، همانگونه که گفته شد در ایران به روزگاران بسیار دور بازمی‌گردد و از دیرباز نیز شاید با همین دبیره آریایی که داریوش شاه در سنگ‌نبشته بیستون گفته است، نامیده می‌شده است. در شاهنامه فردوسی آغاز پیدایش خط و نوشته در ایران به دورانی بسیار دور و به روزگاران تهمورث باز می‌گردد:

نبشتن به خسرو بیاموختند دلش را به دانش برافروختند

نِبشتن یکی نه که نزدیک سی چه رومی چه تازی و چه پارسی
چه سغدی چه چینی و چه پهلوی ز هر گونه‌ای کان همی بشنوی

به درستی دبیره آریایی می تواند پیش از هخامنشیان و در روزگار مادها و شاید پیش از مادها در این سرزمین اهورایی نوآوری و اختراع شده باشد، و در زمانی که مادها بر کشور ویرانگر آشور چیره شدند، به دست مادها در خاورمیانه همه‌گیر شده و رواگ (رواج) یافته باشد.

دیائوکو شاه ماد و نخستین پادشاه ایران، کشوری نیرومند را پایه‌گذاری کرد که سالها بعد به دست نواده او، هوخستره (=کیخسرو) به نخستین شاهنشاهی ایران دگردیس (مبدل) گشت.

در اینجا پرسشی پیش می‌آید که چون مادها پیش از پیروزی بر آشوریان، زمانی را باج‌گزار آشوریان بودند، پس شاید این دبیره از آشوریان سامی‌نژاد به مادهای ایرانی‌نژاد رسیده باشد؟

پاسخ چنین است که در آن زمان دبیره اشوریان، «خط میخی آشوری» بود و با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی و سنگ‌نبشته‌های بازمانده از آشوریان، در زمانی که سارگون دوم شاه آشور بر ماد چیره شد، خط آشوریان میخی بوده و هیچ سنگ‌نبشته‌ای به خط آریایی (که امروز به دروغ آرامی نامیده‌اند)، باشده نیست.

چنین است که با نابودی آشوریان به دست مادها و یکپارچه شدن سرزمین ایران، خط آریایی در این سرزمین و میان‌رودان رواگ (رواج) یافته و نوشته‌های به زبان آرامی، همچون نوشته‌های به زبان پارسی و خوزی و انشانی و قبطی و هندی، به این خط نگاشته شده است و همانگونه که گفته شد داوی و ادعای اینکه این دبیره آرامی است چون زبان آرامی به وسیله این خط نبشته شده است همان اندازه ناپیوسته و نامربوط و مضحک است که برای نمونه بگوییم چون امروز برخی فارسی را با الفبای لاتین (و با نام دست‌ساز فینگیلیش) نگارش میکنند پس الفبای لاتین را الفبای فارسی بنامیم!

پرسمان و موضوع دبیره و زبان دو جستار جدا از هم هستند و وجود نگارش به یک زبان شَوندی بر نامیدن آن خط به آن زبان نیست، همانگونه که امروز اگرچه زبان فرانسه و اسپانیولی داریم ولی دبیره‌ای به نام خط اسپانیایی یا فرانسوی باشده نیست و دبیره آنها را با نام الفبای لاتین می‌نامند.

دبیره آریایی که به دروغ نام خط آرامی را در چند دهه اخیر بر آن نهاده‌اند، نه تنها در میان بخشهای آرامی‌نشین سرزمین ایران و خاورمیانه، بسا همان‌گونه که گفته شد، در سراسر سرزمین ایران یافت شده است و این دیگر فرنودی است که این پرسش را پیش آوریم که براستی چرا این دبیره را با پافشاری خط آرامی می‌خوانند؟ همانگونه که پیشتر گفته شد سنگ‌نبشته‌هایی به زبانهای خوزی، انشانی، پارسی، هندی، قبطی و یونانی با این دبیره در دست است ولی بی‌گمان این دبیره، هندی، قبطی، یونانی... نیست همانگونه که آرامی هم نیست و آرامی نامیدن این خط با قطعیت کمی شک برانگیز و قابل تامل است.

چه میتواند باشد مگر کژکردن و تحریف تاریخ برای نهادسازی و هویت‌سازی اعراب و سپس چیستی‌زدایی و هویت‌زدایی از ایرانیان که وارثان بنیادین و اصلی آن هستند؟

شگفت‌انگیزتر از آن چنین است که ما نیز بدون اندیشه، این باور را پذیرفته و گسترش داده‌ایم و خودمان دبیره و خط باستانی یادگار نیاکانمان را که همانا دبیره آریایی و به زبان امروزین **خط فارسی** است، را خط عربی میخوانیم!

اعراب تا آنجا که تاریخ گواه است هیچ دبیره و خطی برای نوشتن نداشته‌اند و هتا با هنر خواندن و نوشتن بیگانه بوده‌اند، و دبیره‌ای که از حمیر و انبار به حجاز رفته و در زمان پیدایش اسلام گسترش یافته است، خط عربی نیست بلکه دبیره پارسی است که زبان عربی را با آن مینوشتند و چون آثار مکتوب در سده‌های نخستین اسلامی و پس از آن، به زبان عربی نوشته میشد، دبیره‌ای که با آن، زبان عربی نگاشته می‌گردید، به نام «خط عربی» پرآوازه گردید و به همین آسانی چستی، هویت و ریشه این دبیره باستانی دگرگون گشت و سپس در زمان کنونی کوشش شد تا برای این دبیره ایرانی که اکنون عربی نامیده میشود، شناسنامه‌ای ساخته و آن را نه دگرگون شده دبیره پهلوی ایرانی، بلکه بازمانده از دبیره نبطی و نبطی را بازمانده از دبیره‌ای دروغین به نام آرامی که هرگز در درازای تاریخ باشنده نبوده و وجود خارجی نداشته، بنامند.

ولی دردناک‌ترین بخش این تاریخ‌سازی‌های جهان غرب و جهان عرب، زمانی است که میبینیم ما ایرانیان نیز با آنها همسو شده و یادگار پدرانمان را دو دستی به آنها پیشکش کرده‌ایم.

ای هم مین؛ ای ایرانی...

دبیره و خط آریایی که بر پایه گفته داریوش در کتیبه بیستون، روی چرم نوشته شده بود، دبیره‌ای بود که در درازنای تاریخ ایران، دبیران ایرانی در آن دگرگونی‌هایی پدید آوردند و به یاری آن دبیره‌های پارتی اشکانی، سغدی، مانوی، سریانی، پهلوی کتیبه‌ای، پهلوی کتابی، پهلوی مسیحی، اوستایی (دین دبیره) و بسیاری دبیره‌ها و خط‌های دیگر را پدید آوردند.

دبیره فارسی که امروزه با آن سرگرم نوشتن هستیم و از روی ناآگاهی آن را خط عربی میخوانیم نیز، در راستای همین روند فرگشت و تکامل دبیره در ایران.

دبیران دانشمند و هوشمند ایرانی که معمولاً با یک یا چند دبیره و الفبای زمان خود مانند پهلوی، سریانی، سغدی، مانوی و اوستایی آشنایی داشته‌اند، می‌توانستند بهتر از هر کس دبیره و خط فارسی امروز را پدید آورده و آیین‌مند ساخته باشند.

آری خطی که ما امروز به آن مینویسیم، دنباله خط‌های پهلوی و اوستایی و مانوی و ... است که آنها نیز خود دنباله خط آریایی هستند که در زمان هخامنشیان و پیش از آن، در زمان مادها و شاید حتی در زمان زرتشت مورد استفاده قرار میگرفت.

در پایان چند فرتور و تصویر از دبیره و خط نبطی که آن را مادر خط امروزی میدانند و همچنین نمونه‌هایی از دبیره و خط اوستایی را با هم سنجش و مقایسه میکنیم. داوری کنید کدام به رسم الخط امروز نزدیک‌تر است.

شگفت این است که هتا(حتی) دبیره‌ای که آن را خط کوفی می‌نامند نیز سراسر پهلوی و اوستایی است که فرتور(تصویر) سنجش آن را در پایین میتوانید بنگرید.

ویژگی آشکار دبیره پهلوی، نگارش و املا تاریخی آن است. بدین گونه که نمای نوشته شده دنباله ایستار و سنت نگارشی باستانی است، گونه‌ی پارسی میانه درواقع نگارش پارسی هخامنشی را باز می‌تاباند.

اما فرتورها ...

خط نبطی که به دروغ و بر پایه شناسنامه سازی دروغین عرب و یهود، میگویند مادر الفبای امروزی است:



خط پارسی اوستایی (پهلوی اوستایی - دین دبیره) مادر راستین الفبای امروزی ما:

سفری اکرسم و اکرسم لووس اسوه اسه سج و هم
 سلوس لک کلوس کلوس لو اسه اسه اسه و هم سفری اکر
 اسه اکر ورف و اسه اسه اسه اسه کلوس کلوس اسه و اکر
 و هم اسه و اسه اسه اسه و اسه و اسه و اسه و اسه

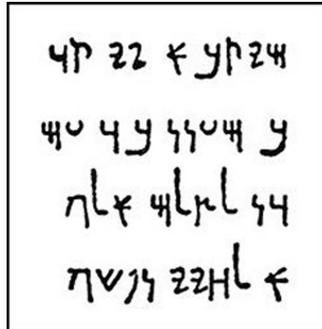
سنجش و مقایسه الفبای پهلوی اوستایی با الفبای امروزی ما، بنگرید که بیش از شصت درصد حروف الفبای پهلوی اوستایی، با اندکی دگرگونی در الفبای امروز ما دیده میشود و چهل درصد دیگر حروف نیز با دگرگونی بیشتر و بریدن اضافات، به الفبای امروزی تبدیل میشود:

آ-ا	س	ذ	ک	و
ب	ر	ر	گ	ق
پ	ز	ز	ل	لا
ت	ث	ث	م	ث
ج	س	س	ن	ن
چ	ش	ش	ه ها	ب
خ	غ	غ	و-او	ا
د	ف	ف	ی-ای	ی

سنجش و مقایسه خط کوفی (که به دروغ میگویند بازمانده‌ای از الفبای نبطی و یک خط کاملاً عربیست) با خط پهلوی اوستایی. با این فرتور (تصویر) کاملاً پایسته میشود که خط کوفی نیز که بین الفبای امروز ما و الفبای دوره میانه (پهلوی و اوستایی) جا دارد، نه تنها عربی نیست که یک خط سراسر ایرانی است. و الفبای امروزی ما نیز نه عربی، که ایرانی و یادگار دبیره اوستایی پهلوی و در پی آن دبیره آریایی است.

اوستا	کوفی	د	اوستا	کوفی	ا
ا	ا	د	ا	ا	ا
ه	ه	س	ه	ه	ه
ح	ح	ر	ح	ح	ح
س	س	ب	س	س	س
و	و	م	و	و	و
ع	ع	و	ع	ع	ع

فرتوری از دبیره و الفبای آریایی که امروزه به دروغ آن را الفبای آرامی مینامند. به همسانی و شباهت این دبیره با خط میخی هخامنشی و الفبای پهلوی و اوستایی (که بالاتر نمونه آن را گذاشتیم) موشکافانه بنگرید.



سنجش خط فارسی امروز ما با الفبای کهن ایرانی و الفبای نبطی. بنگرید که چگونه الفبای نبطی را که هیچ پیوستگی با خط امروز ما ندارد، مادر الفبای امروزمین مینامند.

فارسی	خط میخی کهن ایرانی	خط میخی کهن ایرانی	نبطی
ا	𐎠	𐎠	ا
ب	𐎡	𐎡	ب
ج، گ	𐎢	𐎢	ج، گ
د، ذ	𐎣	𐎣	د، ذ
و	𐎥	𐎥	و
ز، ژ	𐎦	𐎦	ز، ژ
ه، خ	𐎧	𐎧	ه، خ
ی	𐎨	𐎨	ی
ک	𐎩	𐎩	ک
ل	𐎪	𐎪	ل
م	𐎫	𐎫	م
ن	𐎬	𐎬	ن
س	𐎭	𐎭	س
ف، پ	𐎮	𐎮	ف، پ
چ	𐎯	𐎯	چ
ر	𐎰	𐎰	ر
ش	𐎱	𐎱	ش
ت، ط	𐎲	𐎲	ت، ط

* واحهای نشان داده شده در ستون نخست از میان واحهای دبیره کهن پهلوی ارشکمانی، مانوی، فارسی میانه کتیبه ای و کتابی و نیز فارسی میانه مسیحی گردآوری شده اند.

** واحهای نشان داده شده در ستون دوم نشان می‌دهند که با درگرفتنی ای اندک واحهای پارسی لررز از واحهای دبیره کهن ایرانی بدست می‌آیند.

بهمن انصاری (سوشیانت):

Bahman.Soshiant@Gmail.com

همچنین با سپاس از
آیدین پورمسلمی
آزاده احسانی چمبلی

منتشر شده برای نخستین بار در وبسایت :

www.TarikhBook.ir